

رویش امید در دل کودکان کار

در روز جهانی مبارزه با کار کودکان، از خدمات ۹ ساله یک مرکز آموزشی مردم نهاد برای حل ریشه‌ای معضلات کودکان کار به وسیله راه اندازی دبستان، مرکز مهارت آموزی، مدرسه سیار، مددکاری حرفه‌ای و... با بیش از ۱۲۰۰ دانش آموز گفتیم



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

یکی از تلخ ترین لحظات برای هر انسانی، دیدن کودکان کار در کوچه، خیابان و سر چهارراه‌هاست. خواهش و گاهی التماس آن‌ها برای کمک مالی یا خرید چیزی، بد جور روح مان را زخمی می کند. امروز یعنی ۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان است. چند روز پیش هم، جشن تولد ۹ سالگی مدرسه کودکان کار صبح‌رویش با حضور تعداد زیادی از دانش آموزان و نیکوکاران آن مجموعه برگزار شد. به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام با «محمد صادق محکی»، عضو روابط عمومی و مسئول تیم تولید محتوای این مجموعه مردم نهاد که تمام تمرکز و تلاش خود را روی حل مشکلات کودکان کار گذاشته است، گفت و گو کردیم.

در جست و جوی برخورد اصولی با کودکان کار

«من محمدصادق محکی هستم و از سال ۹۸ به این مجموعه اضافه شدم». او با این مقدمه و شروع صحبت هایش به ماجرای پیوستن به این مجموعه مردم نهاد اشاره می کند و می گوید: «من در یک فروشگاه، صندوقدار بودم. یک روز برای استراحت به بیرون از آن جا رفتم و دیدم بچه‌ای زیر باران نشسته و چیزی می فروشد. خیلی دلم برایش سوخت. به او گفتم الان زیر باران سخت نیست که کار می کنی؟ گفت می شود یک دانه از این دستمال ها از من بخری؟ گفتم دستمال لازم ندارم ولی اگر می خواهی، می توانم کاپشنم را برایت بیاورم. گفت نه. تعجب کردم و این سوال در ذهنم به وجود آمد که من بهتر است برای این بچه‌ها چه کار کنم؟ یکپو یادم آمد که یکی از دوستانم با یک مدرسه مرتبط با کودکان کار همکاری دارد. یک صحبتی با او کردم و همین ماجرا جرقه‌ای در ذهنم زد و تصمیم گرفتم که در مدرسه کودکان کار صبح‌رویش مشغول کار شوم».

صبح‌رویش از سال ۹۴ متولد شد

«محکی» درباره نحوه شکل گیری این سازمان مردم نهادی می گوید: «مدرسه کودکان کار صبح‌رویش به عنوان یک ان جی او یا همان سازمان مردم نهاد فعالیت می کند. درباره ان جی او»ها باید بدانیم که بیشتر از هر چیزی به دنبال حل ریشه‌ای یک معضل یا مسئله یا مشکل هستند. یعنی جدای از این که خدماتی به مخاطب‌شان می دهند، مثلاً آموزش، توانمندسازی یا حمایت داری و...، در کنارش دنبال حل مسائل و مشکلات ریشه‌ای آن‌ها هم هستند. صبح‌رویش به عنوان یک سازمان مردم نهاد از سال ۹۴ شروع به فعالیت کرده است. گروه اولیه هم که بانیان تشکیل این جاشدند، حاصل اتحاد دو گروه بوده است. یک تیم جهادی مدرسه ساز و یک گروه همیار و نیروهای داوطلب بهزیستی بایک دغدغه مشترک یعنی پاسخ به نیازهای کودکان کار با هم تصمیم به مشارکت می گیرند».



جذب کودکان کار به مدارس کار را احتی نیست

او درباره نحوه جذب کودکان کار به این مدرسه و مجموعه آموزشی می گوید: «بعد از شکل گیری مدرسه و در ابتدا، یک ارتباطی با بچه‌های دروازه غار تهران گرفته می شود و سپس این جابه عنوان مدرسه‌ای که خدمات آموزشی و توانمندسازی بچه‌ها را بر عهده دارد، شناخته می شود. سال ۹۴ تعداد دختر ها و پسر ها در مقطع دبستان، حدود ۱۵۰ نفر بوده است. البته جذب کودکان کار به مدارس هم کار راحتی نیست. دانه به دانه، با خانواده آن‌ها، سر چهار راه‌ها یا خودشان و... ارتباط گرفته می شود کم کم بچه‌ها از ایده این مدرسه استقبال می کنند که تا سال ۹۸ این تعداد به هزار نفر می رسد و مقطع متوسطه پسرانه و دخترانه هم به آن اضافه می شود».

از جابزی تا جوانکده، همیم و...

«در این سال ها، علاوه بر دبستان، دبیرستان و هنرستان مراکز دیگری هم به ما اضافه شده است». او با این مقدمه می افزاید: «مثلاً سال ۹۸ جابزی به ما اضافه شد. جابزی یک مینی بوس و مدرسه سیار است که به سر چهاررزه‌ها می رود تا به بچه‌های کار آموزش دهد. سپس جوانکده راه اندازی شد که یک مرکز مهارت آموزی است و بچه‌ها می توانند به صورت رایگان از کارگاه‌های مهارت آموزی آن جا مثل برق کشی، سفال، چوب، تعمیر گوشی و... استفاده کنند و یاد بگیرند. اضافه شدن مرکز رشد به مجموعه برای بچه‌هایی است که دانش آموخته می شوند و مهارت‌هایی را یاد گرفته اند. آن‌ها را با تفاهم نامه‌هایی با سازمان‌های مختلف برای



زنگ زیستکده در مدرسه صبح‌رویش

یکی از خدمات اصلی مدرسه صبح‌رویش، آموزش و بحث تحصیل دانش آموزان و کودکان کار است. «محکی» در این باره می گوید: «بله، در کنار خدماتی که مدرسه به بچه‌ها و خانواده‌های شان برای تحصیل می دهد، ما مرکزی هم داریم که مشکلات خانوادگی و معیشتی دانش آموزان را پیگیری می کند. همچنین واحد خدمات درمانی هم داریم. یک کلینیک دندان پزشکی هم داریم که پزشکان همیار داوطلب در طول سال به ما کمک می کنند. علاوه بر این ها، واسطه شرایط و مشکلات بچه‌ها، کلینیک روان شناسی هم داریم. همچنین یک زنگ داریم به نام زیستکده. بچه‌ها سر این کلاس زیر نظر یک روان شناس، مهارت‌های زندگی را یاد می گیرند. ما می دانیم که اگر قرار است بچه‌ها آموزش که در این مدرسه می بینند، برای آینده‌شان مفید باشد، نباید به یادگیری ریاضی و علوم و فارسی اکتفا کنند بلکه بچه‌ها باید مهارت‌های زندگی مانند نه گفتن، تصمیم گیری، کنترل خشم و... را هم یاد بگیرند».

بچه‌های این جا از تعطیل شدن مدارس ناراحت می شوند

«خدماتی که مادر مدرسه صبح‌رویش به دانش آموزان مان ارائه می دهیم از لحاظ سبک آموزشی با بهترین مدارس غیرانتفاعی برابری می کند». او ادامه می دهد: «علاوه بر آن، خدماتی که ما داریم مثلاً صبحانه، ناهار و میان وعده‌ای که به بچه‌ها می دهیم و ارتباط دوستانه و با کیفیتی که بین اعضا و دانش آموزان هست، برای بچه‌ها خیلی جذاب است. شرایط طوری است که آن‌ها از تعطیلی مدرسه به خاطر سرما، آلودگی هوا و... ناراحت می شوند. البته ما در این مدرسه، خیلی مراقب هستیم که به آن‌ها برچسبی زده نشود. هیچ جایی در این مدرسه، شما تابلوی

روزی که بایک کودک کار همراه شدم

او یک خاطره هم درباره یکی از دانش آموزان این مدرسه دارد و می گوید: «چند سال پیش، من یکی از بچه‌های این مدرسه را به واسطه پژوهشی که برای شیوه ثبت نام داشتیم، زیر نظر گرفتم. بعد از چند روز متوجه شدم که پدرش اعتیاد شدید دارد و اصلاً خانه نمی آید و همه مخارج خانه بروی دوش او بود. اما او بسیار بچه شوخ طبع و اهل بگو و بخند بود. یک روز در مدرسه دیدم دستش شکسته است. متوجه شدم که او در حال چرخ کشی بوده که این اتفاق برایش افتاده است. یک مقدار بیشتر با او دوست شدم و قرار شد یک روز با هم سر کار برویم. ساعت ۷ صبح نگهبان

اشتغال به آن جاها معرفی می کنیم. خدمت بعدی ما، مرکز پرگار است که یک جور مددکاری سیار و حرفه‌ای به حساب می آید که در مناطق حاشیه‌ای شهر به سراغ خانواده‌هایی که مشکلات اضطراری دارند که باعث می شود فرزندشان تبدیل به کودک کار شود، می رود و آن‌ها را پیگیری می کند. مرکز پیشگام هم مربوط به خانواده‌ها و کودکانی است که بازمانده از تحصیل هستند».



کمک‌های ۱۰ هزار حامی به همراه امداد، رشیدپور، مهدوی کیا و...

از عضو روابط عمومی مجموعه مردم نهاد صبح‌رویش درباره نیکوکارانی که به آن‌ها کمک می کنند، به خصوص اگر آدم معروفی بین آن‌هاست هم می پرسیم که می گوید: «اولا باید اشاره کنم که صبح‌رویش هیچ وابستگی دولتی ندارد و تمام هزینه‌هایش توسط حمایت‌های مردمی تامین می شود. یکی از افتخارات صبح‌رویش این است که حیات آن با حمایت‌های خرد مردمی ادامه دار شده است. یعنی ما بیش از ۱۰ هزار نفر حامی داریم که مبلغی از حدود ۵۰ هزار تومان به بالا را به صورت مستمر و ماهانه برای ما واریز می کنند. چهره‌های مختلفی بودند که از ما در این سال‌ها حمایت کردند و می ترسم که اسامی بعضی هایشان یادم نباشد اما از امداد جوان بگیرد تا رضا رشیدپور، پرویز پرستویی، بهار هرنما، مهدی مهدوی کیا و... به ما کمک‌هایی داشتند. دکتر علی صاحبی هم عضو هیئت علمی ما هستند و خیلی چهره‌های دیگر در این سال‌ها در کنار ما بودند».

بچه‌های این جا از تعطیل شدن مدارس ناراحت می شوند

کودکان کار را نمی بینید. ما معتقدیم کودکان کار مثل بقیه کودکان هستند که فقط شرایط متفاوتی دارند».



مدرسه به من زنگ زد که آن دانش آموز منتظر من است! خودم را به مدرسه رساندم و با هم رفتیم از کوچه زغالی‌ها، ۲ بسته بیسکویت گرفت. یکی برای خودش که ۱۰ ساله بود و یکی هم برادرش که ۵ ساله بود. هر سه تارفتیم بیسکویت فروشی. داداش کوچک‌تر که بیشتر به مردم التماس می کرد، زودتر جنس‌هایش فروخته شد ولی این دانش آموز دیرتر فروخت. نزدیک ظهر شد و دیدم که چقدر کار سختی دارند، به خصوص لحظه‌ای که یک نفر بر خورد بسیار تندی با برادر کوچک‌ترش داشت که من خیلی متقلب شدم و حتی به آن فرد اعتراض هم کردم».

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳

۵ دی الحجه ۱۴۴۵ • ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۱۲

۲۷۳۱

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

روشی جدید برای تعیین چاقی

اشتباهات والدین در دوران پسامدرسه

آمار ترسناک یونیسف از تنبیه بدنی و روانی کودکان جهان در خانه‌ها

طنز | کولرهای آبی خود را به ما بسپارید

دلسوزی، ترحم بی جا و رفتار خشمگینانه اشتباه است

دو اشتباه است. نکته مهم این است که بچه‌ها خیلی زود متوجه این به هم ریختگی ذهنی ما می شوند. مثلاً وقتی یک بچه‌ای که فروشنده فال است، به یک شهروندی می گوید از من فال بخر و آن فرد می گوید که من الان پول نقد ندارم که به تو کمک کنم، این جمله را بچ در ذهن کودک این مفهوم را شکل می دهد که من متوجه شدم که تو یک بچه‌ای هستی که مشکلات و آسیب‌هایی داری و من باید به تو کمک کنم. این طور می شود که این بچه‌ها خودشان را اسوار کمک مستقیم گرفتن از مردم می بینند. مشکل و اصل بحرانی که درباره کودکان کار داریم این است که شاید دست‌شان دستمال یا جوراب یا... باشد اما کار نمی کنند بلکه دارند تکدی گری می کنند و آن چیزی که این رفتار را تقویت می کند، دلسوزی یا ترحم بی جا یا حتی رفتار خشمگینانه است».

«محکی» درباره اهمیت رفتار درست با کودکان کار در سطح جامعه می گوید: «بچه‌هایی که در سطح شهر به عنوان کودک کار فعالیت می کنند، یکی از بیشترین آسیب‌هایی که می بینند، به خاطر رفتارهای مردم است. بچه‌ای که فال می فروشد یا دستمال یا... در روز با هزاران نفر در ارتباط است و هر رفتاری که با او باشد، قطعاً بر شخصیت او و اخلاقش در آینده تأثیر خواهد گذاشت. معمولاً مردم وقتی با کودکان کار مواجه می شوند، نمی دانند باید چه کنند. یک دلیلش این است که با برادر، خواهر یا فرزند کوچک خودمان مقایسه می کنیم که از یک رفاه نسبی برخوردار هستند بنابراین بعد از دیدن کودکان کار، حال مان منقلب می شود و به هم می ریزیم. به همین دلیل گاهی رفتاری از سر خشم یا از سر ترحم خواهیم داشت که هر

لطفاً در مواجهه با کودکان کار قاطع و مهربان باشید

«محکی» چندین کار پژوهشی درباره رفتار درست با کودکان کار داشته است. امروز هم که روز جهانی مبارزه با کار کودکان است. از او درباره بهترین واکنش مادر برای کودکان کار می پرسیم که می گوید: «اگر با یک کودک کار روبه رو شدید، در قدم اول حواس‌تان باشد که احساسی رفتار نکنید، بلکه منطقی رفتار کنید. رفتاری که روی آینده‌اش تأثیر مخرب نداشته باشد. این رفتار منطقی، از این‌جا شروع می شود که حتماً به او نگاه کنید و نادیده‌اش نگیرید که انگار وجود ندارد. این توجه نکردن باعث می شود تا او کم کم احساس کند که از جامعه جداست. مثلاً وقتی شما حتی شیشه خود را در پایین نمی دهید، یک پیام منفی و اشتباه به او منتقل می کنید. در این مواقع اگر قصد خرید یا کمک



مراقب باشید خلق تکدی‌گری را در کودکان کار تثبیت نکنید

را یاد گرفته است و می تواند یک فروشنده یا اعتماد به نفس و عزت نفس شود. در حالت دوم، به هیچ وجه ما نباید پول بدهیم و باید یک نه قاطع بگوییم تا خلق تکدی گری در او تثبیت نشود. در حالت سوم هم ما دلیلی نداریم که برایش چیزی بخریم چون تفاوتی با تکدی گری ندارد. با خرید کالا برای او که شاید چند دقیقه بعد دوباره آن را به فروشنده پس بدهد تا پول بگیرد، سواد مالی او را تخریب و کاری می کنیم که او راه پول در آوردن را یاد نگیرد. چه آن مواد غذایی را بعد از گرفتن از ما بفروشد و چه نفروشد، باز هم اشتباه است. اگر هم خواستیم کمک کنیم، شاید این که شماره سرپرست خانوارش را بگیریم تا بتوانیم کمک ریشه‌ای‌تر به او بکنیم یا به یک خیریه معرفی‌شان کنیم و... بهتر باشد».

«کودکان کاری که در خیابان می بینیم، معمولاً به سه دسته اصلی تقسیم می شوند. یا فروشنده یک کالا هستند، یا بدون هیچ خدماتی درخواست پول می کنند یا می گویند برایم چیزی مانند مواد غذایی، بستنی، روغن و... بخر». او درباره رفتار درست با این کودکان می گوید: «در حالت اول اگر می توانیم به چشم یک فروشنده به آن کودک نگاه کنیم، می توانیم آن جنس را بر اساس نیازمان بخریم یا نخریم. ما اگر مثل یک خریدار با آن‌ها رفتار کنیم، آن‌ها هم مثل فروشنده با ما رفتار خواهند کرد. البته ما اصلاً موافق نیستیم که بچه‌ها در خیابان فروشنده باشند اما اگر فروشنده باشند بسیار بهتر از این است که متکدی باشند. بچه‌ای که فروشنده گی می کند، در آینده مهارت فروش